

نوع مقاله: ترویجی

رابطه قرآن و عهدین با سنت از منظر امامیه و آئین کاتولیک


baghbani@iki.ac.ir

جواد باغبانی آرانی / استادیار گروه ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مجتبی نوری کوهبانی / دانش‌پژوه دکتری ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

mojtaba.nori.k65@gmail.com

orcid.org/0000-0001-5515-8620

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹

دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳

چکیده

قرآن و عهدین به‌عنوان منابع اصلی دو دین ابراهیمی (مسیحیت و اسلام) مورد استفاده است. در این بین با اضافه شدن سنت، نظرات مختلفی در باب رابطه این دو منبع اصلی با آن شکل گرفت. از آنجاکه در اسلام و مسیحیت مذاهب مختلفی ایجاد شدند. در این مختصر برای انسجام بحث به شیوه توصیفی - تحلیلی به این موضوع پرداخته می‌شود، که از منظر امامیه و آئین کاتولیک رابطه قرآن و عهدین با سنت چگونه است؟ و سعی شده است تا با توجه به منابع هریک از این دو آئین، این رابطه بیان شود. برای روشن شدن نظر مورد قبول، از چهار دیدگاه کمک گرفته شده و مشخص شد که اولاً از نظر امامیه و آئین کاتولیک بین قرآن و عهدین با سنت رابطه طولی برقرار است؛ ثانیاً سنت در مسیحیت مقدم بر کتاب مقدس بوده و علت آن عدم کتابت کتاب مقدس در مسیحیت اولیه است؛ و در امامیه قرآن با سنت همراه بوده و بعد از کتابت قرآن کریم، سنت هم‌زمان حول آن شکل گرفته است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، عهدین، سنت، امامیه، آئین کاتولیک.

مقدمه

ادامه به ابعاد شناخت خداوند و همچنین چگونگی رابطه انسان و خدا اشاره کرده و همچنین به جایگاه وحی و سنت به عنوان منابع شناخت دین پرداخته است؛ که ارتباط بین سنت و کتاب مقدس تبیین و منشأ آن دو را واحد دانسته است. در بخشی دیگر، به عیسی، نبوتش و زندگی و سرنوشتش و تعالیم او اشاره کرده است؛ در قسمتی دیگر، به فدا شدن مسیح برای نجات مسیحیان پرداخته است.

کتاب *درس نامه الهیات مسیحی* (مک گراث، ۱۳۹۳). در این کتاب نویسنده به بررسی تحولات تاریخی الهیات مسیحی پرداخته و سپس مفاهیم کلیدی و اصطلاحات را بیان کرده است، که مربوط به منابع الهیات مسیحی است و در همین بخش است که سنت را به عنوان منبعی از منابع الهیات دانسته و نظریه‌هایی در مورد آن و نسبتش با کتاب مقدس بیان می‌کند. در پایان آموزه‌های الهیات مسیحی، مانند آموزه‌های خدا، تثلیث، مسیح، نجات و... را مورد بررسی قرار داده است.

در منابع ذکر شده اگرچه به رابطه قرآن و عهدین با سنت پرداخته است؛ لکن به جهت تطبیقی این کار انجام نشده و تنها اثری که در این زمینه به صورت کلی کار تطبیقی انجام داده و بین اسلام و مسیحیت را بررسی کرده، نوشته علی نصیری تحت عنوان «مفهوم و جایگاه سنت از منظر اسلام و مسیحیت» است. البته در این اثر به جهت عدم تمرکز بر این مسئله و پرداختن به مباحث مختلف، دچار برداشت ناصواب در این زمینه شده که در این اثر به صورت صحیح بیان خواهد شد.

در این مقاله بعد از بیان مفاهیم کلیدی بحث، به رابطه قرآن با سنت از منظر امامیه پرداخته می‌شود؛ که در ضمن چهار دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان این بحث نیز رابطه عهدین با سنت روشن شده است؛ که به جهت هماهنگی موضوع در اینجا نیز چهار دیدگاه مطرح شده و نتیجه به دست آمده، تقریر شده است.

در اینجا مناسب است ابتدا منظور از امامیه و آئین کاتولیک به صورت مختصر روشن شود و سپس سنت در این دو آئین بیان شود تا در پایان مقایسه منصفانه‌ای حاصل شود.

۱. امامیه

امروزه امامیه یا اثنی عشریه، به کسانی اطلاق می‌شود که قائل به امامت و جانشینی دوازده نفر بعد از رسول خدا ﷺ هستند (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۸۹)؛ که در همه چیز، مانند پیامبر اکرم ﷺ هستند، الا اینکه آنان پیامبر نیستند (کلینی، ۱۴۲۶، ج ۱۵، ص ۲۶۹).

یکی از مهم‌ترین بخش ادیان، منابع الهیات آن محسوب می‌شود؛ چراکه اعتقادات و احکام و اخلاق از آن گرفته شده است. با آنکه منابع ادیان ممکن است متفاوت باشد؛ لکن در این تحقیق که در حیطه امامیه و آئین کاتولیک انجام شده است، منابع این دو تا حدودی به هم شباهت دارد. کتاب، سنت، عقل از منابع الهیات در امامیه و آئین کاتولیک است. با توجه به اینکه در هر دو مذهب، نظرات مختلفی در باب این منابع وجود دارد؛ بر آن شدیم تا به جهت اختصار، از بین منابع آنان به رابطه قرآن و عهدین با سنت پرداخته شود، تا چگونگی بهره‌گیری این دو آئین از این دو منبع مهم روشن گردد.

سؤال اصلی تحقیق این است که: رابطه قرآن و عهدین با سنت از منظر امامیه و آئین کاتولیک به چه صورت است؟

سؤال‌های فرعی عبارتند از: ۱. از بین چهار دیدگاهی که بیان می‌شود، نظر امامیه و آئین کاتولیک ناظر به کدامیک است؟ ۲. علت پذیرش دیدگاه مورد قبول چیست؟

در راستای بحث رابطه قرآن و عهدین با سنت می‌توان به چند اثر اشاره کرد و در زمینه این رابطه از آنها سود جست.

برای پیشینه بحث در منابع امامیه می‌توان به منابع زیر اشاره کرد: کتاب *رابطه قرآن و سنت* (نصیری، ۱۳۹۷)، که در پانزده فصل به رشته تحریر درآمده است؛ برخی از عناوین آن به این صورت است: جایگاه سنت در زمینه شناخت دین، عدم نیاز به سنت و دلایل عدم نیاز به آن و نقد آن. مؤلف بیان می‌کند که با توجه به نیازهای زمان، باید قرآن و سنت مورد بازپژوهی قرار گیرند، تا پاسخگوی نیازها باشند. همچنین در این کتاب به رابطه قرآن و سنت پرداخته شده و نظرات مختلف در این باب را مورد بررسی و نقد قرار گرفته و در نهایت، این دو مانند دو فصل کتاب دین، شناخته شده است.

مقاله «همگرایی قرآن و سنت» (صدر، ۱۳۷۵)، در این مقاله نویسنده به نقش قرآن در سنت پرداخته و تأثیر آن را بر سنت از دو بُعد می‌داند: ۱. اعتبار بخشیدن؛ ۲. ارزیابی؛ و در ادامه به چگونگی ارزیابی سنت بر اساس قرآن اشاره می‌کند و به تبیین رابطه قرآن و سنت می‌پردازد.

در منابع آئین کاتولیک می‌توان به آثار ذیل اشاره کرد:

کتاب *تعالیم کلیسای کاتولیک* (مفتاح و دیگران، ۱۳۸۹)، که نویسنده در این کتاب با استفاده از کتاب مقدس و متون رسمی کلیسا به اعتقادات و آداب و رسوم و ابعاد اجتماعی و عبادی پرداخته است. این کتاب چند بخش دارد؛ در بخشی، به مفهوم ایمان پرداخته و در

۲. آئین کاتولیک

امیرمؤمنان علی علیه السلام به ابن عباس اشاره کرد که می‌خواست برای محاجه با خوارج برود که حضرت فرمودند: «لا تخصمهم بالقرآن، فان القرآن حمال ذو وجه، تقول و یقولون، ولكن حاججهم بالسنة، فانهم لن یجدوا عنها محیصا» (نهج البلاغه، ۱۳۸۰، نامه ۷۷)؛ با قرآن با آنان محاجه مکن؛ چراکه قرآن ذو وجه است و هرکسی می‌تواند نظر خودش را به آن مستند کند؛ اما سنت این‌گونه نیست.

واژه کاتولیک به مسیحیانی گفته می‌شود که ارتدوکس و پروتستان نیستند (رسول‌زاده و باغبانی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۰) و پاپ را رهبر خود می‌دانند (وان وورست، ۱۳۹۳، ص ۴۳۹).

۳. سنت از منظر امامیه

در اینجا معنای اصطلاحی سنت مراد است، که قول و فعل و تقریر (حلی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۸-۲۹) معصوم است.

۴. سنت از منظر آئین کاتولیک

ب. دیدگاه سنت‌محور که سنت را مورد توجه قرار می‌دهد این دیدگاه منتسب به اخباریان است که با استناد به این روایت: «انما یعرف القرآن من خوطب به» (کلینی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۵، ص ۶۹۹) و امثال این روایت بیان می‌کنند که فهم قرآن منحصر به اهل‌بیت علیهم السلام است و هرچه هست باید از مجرای ایشان بیان شود (بهبهانی، ۱۴۲۶ق، ص ۷) و حتی در تفسیر قرآن هم باید از این مجرا باشد تا مورد قبول قرار گیرد و الا صحیح نیست؛ و با این ادعا، دنبال رو سنت شدند؛ حتی شیخ حرعاملی در کتاب *وسائل الشیعه* بایی را قرار داده‌اند، مبنی بر اینکه استنباط احکام از ظاهر قرآن جایز نیست؛ مگر بعد از شناخت تفسیر آن از ائمه معصومان علیهم السلام (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۷۶). در تفسیر این آیه قرآن که «راسخون فی العلم» (آل عمران: ۷) چه کسانی هستند، روایت می‌گوید امیرمؤمنان علی علیه السلام و ائمه بعد از او (همان، ص ۱۷۹). همچنین در تفسیر این آیه قرآن «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا» (فاطر: ۳۲) از امام باقر علیه السلام سؤال شد، که حضرت در پاسخ فرمودند: «هی لنا خاصة یا ابا اسحاق» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۵۰). البته باید توجه داشت که اینان منکر خواندن قرآن و یا تفسیر آن نیستند؛ بلکه می‌گویند هر کاری که انجام می‌شود، باید از رهگذر معارف اهل‌بیت علیهم السلام باشد تا از خطا مصون بماند؛ وگرنه دچار انحراف خواهیم شد.

عبارت است از مجموع شعائر و اصول عقایدی که از حواریون دست به دست رسیده و آنها نیز آن را به‌طور شفاهی از خدا یا روح‌القدس دریافت کرده بودند. این سنت به‌وسیله کلسای کاتولیک رم حفظ شده و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته بود. عنوانی که به این سنت‌ها داده شده عبارت است از سنت‌های غیرمکتوب، که دست به دست گشته تا به ما رسیده است (مولند، ۱۳۸۱، ص ۸۹).

در ذیل به رابطه قرآن و سنت از منظر امامیه و همچنین رابطه عهدین و سنت از منظر آئین کاتولیک پرداخته می‌شود.

۵. رابطه قرآن و سنت از منظر امامیه

در اینجا می‌توان چهار دیدگاه انحصاری فرض کرد که از این چارچوب خارج نخواهد بود: دیدگاه کتاب‌محور، دیدگاه سنت‌محور، دیدگاه کتاب‌محور و سنت‌مدار، دیدگاه دوگانه محور.

الف. دیدگاه قرآن‌محور که نگاه افراطی به قرآن دارد

منشأ این دیدگاه به خلیفه دوم برمی‌گردد که در آن شرایط حساس، این سخن از او صادر شد که: «حسبنا کتاب الله» (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۹۴؛ ج ۹، ص ۱۱۵؛ ج ۱۱، ص ۱۲۰) و از آن زمان تا کنون مخصوص این طائفه است. حتی خلیفه اول بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز چنین دیدگاهی داشت و می‌گفت بین ما و شما کتاب خداست (ذهبی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۹)؛ لکن به‌جهت اشکالات فراوان به مرور زمان از این دیدگاه فاصله گرفته و منکر چنین نظری شدند (نصیری، ۱۳۷۹). در حال حاضر از نظر امامیه این دیدگاه باطل است و کسی از امامیه قائل به این نظر نیست. در تأیید این مطلب می‌توان به سخن

ج. دیدگاه قرآن‌محور و سنت‌مدار

این دیدگاه، سنت را وابسته به قرآن می‌داند و استقلالی برای آن قائل نیست. طبق این نظر، سنت در طول قرآن کریم است، نه در عرض آن و مستقل. همان‌طور که روایات عرضه شده، دلالت بر آن می‌کنند، مانند: «کل شیء مردود الی کتاب و السنة و کل حدیث لا یوافق کتاب الله فهو مزخرف» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۲۹). روایت دیگری نیز که دلالت می‌کند بر اینکه نباید آنچه

مخالف قرآن است را پذیرفت؛ «فلاتقبلوا علينا خلاف القرآن» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۴، ص ۴۶۰) است. علامه طباطبائی در این زمینه می‌فرماید؛ لازمه روایات نهی از تفسیر به رأی این است که مفسر از اینکه فقط به نظر خودش اکتفا کند و به نظر دیگران مراجعه نکند، نهی شده است؛ بلکه باید از نظر دیگران نیز استمداد جوید. حال این نظر دیگران از دو حال خارج نیست: یا قرآن است و یا سنت؛ سنت نمی‌تواند باشد؛ چراکه خود سنت امر به رجوع به قرآن کرده است و همچنین روایات عرضه نیز بر این دلالت می‌کنند. پس در تفسیر قرآن فقط یک راه باقی می‌ماند، که همان قرآن است (تفسیر قرآن به قرآن)؛ در نتیجه، غیر این راه مصداق تفسیر به رأی خواهد بود (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۷۷). علامه در تبیین حدیث ثقلین که دلالت بر محوریت قرآن و عترت توأمان دارد، می‌فرماید؛ این حدیث مجوزی برای ابطال حجیت ظواهر قرآن و اکتفا کردن به ظاهر بیان اهل بیت علیهم‌السلام نیست. چگونه این صحیح خواهد بود و حال آنکه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمودند: «لن یفترقا»؛ پس حجیت برای هر دو با هم است. پس قرآن بر معانی خودش دلالت دارد و معارف الهیه را کشف می‌کند، و اهل بیت علیهم‌السلام هم دلالت بر این طریق و هدایت مردم به اغراض و مقاصد قرآن می‌کنند (همان، ص ۸۷). پس سنت در برابر قرآن، یک پدیده مستقل با خطمشی جداگانه نیست؛ بلکه سنت با قرآن یک رابطه تبیینی دارد و صورت عینی و تجسم یافته و عملی شده قرآن است (شکوری، ۱۳۵۹، ص ۵۳). در حدیثی امام صادق علیه‌السلام از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کنند که: «ان علی کل حق حقیقه و علی کل صواب نوراً، فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه» (کلینی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۷۲). بنا بر این روایت، ملاک قرآن است و باید سنت مخالف قرآن نباشد؛ که در این صورت کنار گذاشته خواهد شد.

د. دیدگاه دوگانه محور

طبق این دیدگاه، توجه به کتاب و سنت به یک اندازه بوده و برای رفع نیازهای شریعت، نقشی یکسان ایفا می‌کنند. بنا بر این نظریه مشهور، قرآن و سنت نه در طول هم، بلکه در عرض یکدیگر و به صورت مستقل، منبعی برای فهم دین هستند. یکی (قرآن) به کلیات و دیگری (سنت) به جزئیات پرداخته است (نصیری، ۱۳۷۹؛ شیخزاده، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶).

حال برای رسیدن به نظر مطلوب به این می‌پردازیم که نظر قرآن و سنت در مورد سنت چیست؟ تا به رابطه قرآن با سنت پی ببریم.

۶. سنت در قرآن

در ذیل به آیاتی اشاره می‌شود که صراحتاً یا تلویحاً به سنت اشاره دارد: ۱. «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل: ۴۴)؛ طبق این آیه انتخاب پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با دو هدف صورت گرفت؛ الف. او حقایق دریافتی از وحی الهی را برای مردم بیان کند. ب. مردم با شنیدن این پیام و بیان پیام‌رسان و با توجه به محیط رشد و نمای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم زمینه اندیشه و بصیرت مردم فراهم شود (جمشیدی، ۱۳۸۶، ص ۴۳).

۲. «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ» (نساء: ۵۹)؛ طبق این آیه کریمه به فرموده امیرمؤمنان علی علیه‌السلام بازگرداندن آن به خداوند متعال این است که سنت او را انتخاب کنیم، و بازگرداندن به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این است که سنت آن حضرت را انتخاب کنیم (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰، خطبه ۱۲۵).

۳. «مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ» (نساء: ۸۰)؛ واضح است که مصداق این آیه سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است.

۴. «وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر: ۷)؛ این آیه بیانگر قانونی کلی است و آن حرمت و احترام ویژه سنت نبوی در پیشگاه خداوند است (جمشیدی، ۱۳۸۶، ص ۴۴).

۵. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب: ۲۱)؛ که به وضوح بر اعتبار و اهمیت رفتار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دلالت می‌کند (همان).

۶. «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲)؛ در نگاه مفسران منظور از حکمت، سنت است (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۲۹).

۷. «وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳-۴)؛ این آیه بر اعتبار و اهمیت کلام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دلالت می‌کند و اینکه جز وحی الهی حرف دیگری نمی‌زند (جمشیدی، ۱۳۸۶، ص ۴۵-۴۴)؛ پس سخنانی که وحی قرآنی نیست، در رتبه وحی قرآنی است؛ چراکه او سخنی غیر وحی نمی‌گوید.

لازم به ذکر است که یک سنت مخصوص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است که آیات و روایات فراوان دلالت بر این مطلب دارد، که در اینجا

روایت کسی که با قرآن و سنت پیامبر مخالفت کند، کفر ورزیده است و نشان از این دارد که سنت، هم‌رتبه قرآن کریم است و همان‌طور که مخالفت با آن نشانه کفر است، مخالفت با سنت رسول خدا^ص نیز این‌گونه است.

۴. در روایتی دیگر امام^ص زمانی که صحبت می‌فرمودند، بیان می‌داشتند که از من پرسید که این سخن خود را از کدام قسمت قرآن بیان کرده‌ام تا برای شما بازگو کنم (میرداماد، ۱۴۰۳ق، ص ۱۳۹)؛ که خود نشان از این دارد که سنت، مستقل نیست و تابع قرآن کریم است. ۵. در روایتی دیگر راوی از امام کاظم^ص سؤال کرد که آیا همه چیز در کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم^ص وجود دارد؟ که حضرت در پاسخ فرمودند: «كُلُّ شَيْءٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۶). در این روایت با توجه به اینکه سؤال از کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم^ص بود، امام^ص هم بر این تفکیک صحه گذاشته و در پاسخ، طبق سؤال بیان فرمودند که هر چیزی در کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم^ص وجود دارد. لذا طبق این روایت، کتاب و سنت دو چیز جدا از هم بیان شده است.

۶. در روایت دیگری رسول خدا^ص می‌فرمایند: «وَتَبَتِ الْقُرْآنُ وَ مَثَلِيهِ مَعَهُ» (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۴۱۷)؛ به من قرآن و همسان با آن داده شده است؛ که منظور از همسان با آن، سنت است و دلالت بر این دارد که همانند قرآن دارای حجیت است.

نتیجه کلی بحث

با توجه به مباحث مطرح‌شده می‌توان به این نتیجه رسید که سنت در طول قرآن قرار دارد و آن روایاتی که در نگاه اول، دلالت بر این دارد که این دو مستقل از هم هستند؛ باید گفت؛ اگر با دقت بازنگری شود، روشن خواهد شد که آن دسته از روایاتی که از آنها چنین برداشت می‌شود که سنت در عرض قرآن است و برای آن یک نحو استقلال قائل است؛ مانند حدیث ثقلین، درواقع در مقام بیان این است که سنت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اینکه به‌صورت جداگانه در روایات از آن اسم برده شده، دلیل بر این نمی‌شود که مستقل از کتاب باشد؛ لذا نظریه سوم مدنظر نگارندگان در این تحقیق خواهد بود؛ و رابطه قرآن و سنت به‌صورت طولی است و نه عرضی؛ لذا سنت از خود استقلالی نخواهد داشت.

گلچینی از آنان بیان شد؛ و یک سنت ادامه سنت رسول خدا^ص است، که سنت اهل‌بیت^ص است و در قرآن نیز مورد تأکید واقع شده است و آیاتی دلالت بر این مطلب دارد که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود: ۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹)؛ در اینجا اطاعت از اولی‌الامر هم‌ردیف اطاعت رسول خدا^ص و اطاعت خداوند واقع شده و پرواضح است که این هم‌ردیفی به‌خاطر امتیازاتی است که مخصوص اولی‌الامر شده است. ۲. «وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ» (نساء: ۸۳)؛ در این آیه رسول خدا^ص و اولی‌الامر را رفع‌کننده اختلاف معرفی می‌کند که نشان از این دارد که اولی‌الامر در رفع اختلاف با رسول خدا^ص در یک مرتبه هستند.

منظور از اولی‌الامر هم، متفقاً اهل‌بیت پیامبر اکرم^ص هستند. پس در نتیجه سنت مدنظر، اعم از سنت رسول خدا^ص و اهل‌بیت عصمت^ص است (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۶۱؛ ابن‌حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۲۶۴).

۷. سنت در سنت

در ذیل به روایاتی اشاره می‌شود که به جایگاه سنت پرداخته و نقش آن را تبیین می‌کند.

۱. حدیث ثقلین؛ پیامبر اکرم^ص می‌فرمایند: «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (کلینی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۲۵؛ خصبی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۸؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۲۶؛ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۶۴؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۵). این حدیث به تواتر نقل شده و دربردارنده این است که اهل‌بیت عصمت^ص بعد از رسول خدا^ص جانشین او هستند و همانند او قول و فعل و تقریر آنان حجت است؛ لذا سنت آنان نیز همانند سنت رسول خدا^ص از حجیت برخوردار است.

۲. امام صادق^ص فرمودند: «مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ فِيهِ كِتَابٌ أَوْ سُنَّةٌ» (کلینی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۵۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۰۴)؛ که طبق این حدیث، از آن‌رو که سنت با «أو» به کتاب عطف شده، نشانه این است که سنت از خود استقلال دارد (شیخ‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱).

۳. امام صادق^ص می‌فرمایند: «مَنْ خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ مُحَمَّدٍ فَقَدْ كَفَرَ» (کلینی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۷۴). طبق این

اکنون که مشخص شد در مسیحیت، سنت بر عهد جدید مقدم است، می‌توان وارد بحث شد و در مورد رابطه عهدین و سنت، صوری که بیان شد را تصویر کرد. این رابطه از چهار دیدگاه انحصاری که در ذیل بیان می‌شود، خارج نخواهد بود:

الف. عهدین محور

با آغاز قرن شانزدهم برخی الهی‌دانان رادیکال بر این نظر شدند که سنت را باید کنار گذاشت؛ چراکه کتاب مقدس هفت‌بار مهر و موم شده و هیچ‌کس نمی‌تواند بدون استفاده از کلید داوود، که تجلی روح‌القدس است، آن را بگشاید؛ لذا داوری شخصی فرد بر داوری جمعی کلیسا تقدم یافت و نتیجه آن، کنار گذاشتن سنت شد؛ که این هم‌زمانی با جنبش روشنگری که نماد نفی افراطی سنت بود، موجب شد تکیه بر عقل، آنها را از توسل به سنت برای آرا و اندیشه‌ها بی‌نیاز کند. لذا آموزه‌هایی چون تثلیث و الوهیت مسیح، چون منای کافی در کتاب مقدس نداشت، مورد انکار قرار گرفتند (مک‌گراث، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۸۳-۲۸۴). سنت کلیسا هرچند که مثل یک راهنمای آموزنده بود؛ اما فاقد اعتباری در حد متون مقدس شد (اسپرول، بی‌تا، ص ۵۵).

ب. سنت محور

با توجه به نکته‌ای که در مقدمه بحث بیان شد، مسیحیت اولیه سنت محور بوده و عهد جدید وجود نداشته است. نخستین کتاب عهد جدید به‌زعم دانشمندان، به نقلی تقریباً در سال ۵۰ م به نگارش درآمده و بقیه آنها اکثراً تا سال ۷۰ م تکمیل شد؛ به استثنای انجیل یوحنا، رسالات او، و کتاب مکاشفه که گمان می‌رود در حدود سال‌های ۹۰ م به رشته تحریر درآمده است (رُشدی، بی‌تا، ص ۴)، و بعد از اینکه عهد جدید به‌صورت مکتوب جمع‌آوری شد، کم‌کم و در نسل‌های بعدی در کنار سنت به آن هم استناد می‌کردند و این هم‌پایه تقریباً تا قرن شانزدهم همان‌طور که بیان شد، ادامه داشت و از آن به بعد سنت کنار نهاده شد و بعد از گذشت سالیان طولانی و کاهش تأثیر روشنگری در دهه‌های اخیر، عامل مهمی شد تا اینکه دوباره برای سنت در الهیات مسیحی ارزش قائل شوند (مک‌گراث، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۸۴). در حال حاضر مسیحیت کاتولیک صرفاً سنت محور نیستند و قائلی در بین آنان یافت نمی‌شود در نتیجه سنت محور بودن، مختص مسیحیت اولیه است.

حال نوبت به بررسی رابطه عهدین و سنت است. البته به‌عنوان مقدمه لازم است بیان شود که مسیح، خداوندی که تمام وحی خدای اعلی در او کامل می‌شود، به رسولان خودش دستور داد تا انجیل را موعظه کنند و موهبت‌های خدا را به همه انسان‌ها برسانند (مفتاح و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۴۸)؛ «پس، رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم آب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام، حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما هستم» (متی ۲۸: ۱۹-۲۰). «پس بدیشان گفت: «در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید» (مرقس ۱۶: ۱۵). به پیروی از این فرمان، انجیل به دو طریق نقل شد:

الف. شفاهی: رسولان آنچه را که خودشان از مسیح شنیده بودند و از سبک زندگی او دریافت کرده بودند و یا از القائل روح‌القدس فراگرفته‌اند، با بشارت زبانی و با ارائه الگوی عملی و با وضع قوانین نقل کرده‌اند.

ب. کتبی: رسولان و معاشران رسولان، به الهام روح‌القدس، نوشتن پیام رستگاری را به عهده گرفتند (مفتاح و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۴۸).

به لحاظ تاریخی، مسیحیت اولیه بر پایه کتاب بنا نشده بود؛ بلکه بر پایه سنت رسولان، یعنی تعالیم شفاهی ایشان بنا شده بود؛ زیرا یا هنوز کتاب‌های عهد جدید نوشته نشده بودند، یا این کتاب‌ها هنوز یک‌جا گردآوری نشده بودند (سوزن، ۱۹۸۷، ص ۳۳). با این حال مسیحیت وجود داشت و حافظ مسیحیت و اعتقادات آن کلیسای واحد رسولی بود (رُشدی، بی‌تا، ص ۴). لذا کلیسا بر کتاب عهد جدید مقدم است. دلیل بر آن هم این فراز است: «لأن ای برادران، شما را از انجیلی که به شما بشارت دادم، اعلام می‌کنم؛ که آن را هم پذیرفتید و در آن هم قایلیم می‌باشید - بدان پایبندید - و به‌وسیله آن نیز نجات می‌یابید، به شرطی که آن کلامی را که به شما بشارت دادم، محکم نگاه دارید؛ و الا عبث ایمان آوردید» (اول قرنتیان ۱۵: ۱-۲). در اینجا می‌بینیم که پولس به تعلیمی اشاره می‌کند که شفاهاً به ایشان تعلیم داده بود. بشارت دادم یعنی موعظه کردم (رُشدی، بی‌تا، ص ۴). به‌طور کلی مسیحی در قرن اول بر پایه عهد عتیق و سنت رسولان بنا شده بود. از قرن دوم به بعد، عهد عتیق، سنت رسولان، سنت پدران کلیسا و عهد جدید، ستون‌های مسیحیت را تشکیل دادند و هرجا مطلبی در این منابع یافت نمی‌شد، اسقفان کلیساها برای اتخاذ تصمیم، دست به تشکیل شوراهای بین‌کلیسایی می‌زدند (همان، ص ۷).

ج. عهدین محور و سنت مدار

این نظریه در واکنش به مناقشات مختلف در کلیسای اولیه، به ویژه تهدیدی که از آیین گنوسی بر روش سنتی در فهم عبارات خاصی از کتاب مقدس ایجاد شده، شکل گرفت. لذا پدران الهی دان در سده دوم تابع این نظر بودند که کتاب مقدس را نمی توان دل بخواه یا به سود خود تفسیر کرد؛ بلکه کتاب مقدس را باید در چارچوب پیوستگی تاریخی کلیسای مسیحی تفسیر کرد. سنت صرفاً به معنای شیوه‌ای سنتی مربوط به تفسیر کتاب مقدس در جامعه مؤمنان است. در این نظریه، الهیات بر پایه کتاب مقدس استوار است و سنت به شیوه سنتی، تفسیر کتاب مقدس اشاره دارد. طبق این نظریه که می شود گفت جریان غالب در نهضت اصلاح دینی نیز پیرو آن بودند، بیان می شد در صورتی می توان تفسیر سنتی کتاب مقدس، مانند آموزه تثلیث یا سنت تعمیم اطفال را حفظ کرد؛ مشروط به اینکه ثابت شود با کتاب مقدس سازگار است (مک گراث، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۸۱-۲۸۲)؛ و الا قابل پذیرش نخواهد بود. به بیان دیگر، محور، عهدین هستند؛ اگرچه از سنت هم استفاده خواهد شد؛ البته در صورتی که سنت مخالف کتاب مقدس نباشد؛ در غیر این صورت کنار گذاشته خواهد شد. طبق این نظریه، سنت در طول کتاب مقدس خواهد بود و کاملاً به یکدیگر مرتبط و متصل اند؛ چراکه هر دوی آنها از یک منشأ واحد الهی نشئت می گیرند و به گونه‌ای همراه یکدیگرند که یک کل را تشکیل می دهند (مفتاح و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۴۹).

د. دوگانه محور

در قرن چهاردهم و پانزدهم «سنت» به عنوان منبعی متمایز و جداگانه در باب مکاشفه مطرح شد که علاوه بر کتاب مقدس اعتبار داشت. طبق این نظریه، سنت در عرض کتاب مقدس قرار می گیرد. برای اثبات این نظریه چنین استدلال می شد که کتاب مقدس درباره برخی موضوعات سکوت کرده و سخنی مطرح نشده است و خداوند به مشیت خود منبعی ثانوی را در باب مکاشفه ترتیب داده تا این خلل جبران شود و این منبع سنت، نامکتوب و یا همان سنت شفاهی است که همان طور که در مقدمه بحث بیان شد، ریشه آن به خود رسولان برمی گردد. این سنت از نسلی به نسل دیگر در کلیسا انتقال یافت. طبق این دیدگاه، الهیات بر دو منبع کاملاً متمایز، یعنی کتاب مقدس و سنت نانوشته بنا شده است (مک گراث، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۸۲-۲۸۳).

در شورای ترنت مقرر شد که سنن کلیسایی، حجیت و اعتبار کتاب مقدس را دارد و حق ترویج و تفسیر کتاب مقدس در انحصار کلیساست (مولند، ۱۳۸۱، ص ۸۹؛ رسول زاده و باغبانی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۲؛ ناس، ۱۳۸۲، ص ۶۸۸)؛ اما در شورای دوم واتیکانی دوباره به نظریه عهدین محور و سنت مدار بازگشتند (مک گراث، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۸۳). در اینجا برای رسیدن به دیدگاه صواب، خواهیم گفت که جایگاه سنت در عهدین و سنت به چه نحوی است؛ تا بتوان به دیدگاه مورد قبول رسید.

۸. سنت در عهدین

در اینجا به فقراتی که صراحتاً یا تلویحاً به بحث سنت پرداخته، اشاره می شود. ۱. «پس، رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم آب و ابن و روح القدس تعمیم دهید؛ و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام، حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما هستم آمین» (متی ۲۸: ۱۹-۲۰). ۲. «پس بدیشان گفت: در تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه کنید» (مرقس، ۱۶: ۱۵). با توجه به مطالبی که در مقدمه بیان شد، از این دو فراز می توان به دو مطلب دیگر رسید: الف. در زمان بیان این سخنان، هیچ یک از اناجیل چهارگانه نوشته نشده بود.

ب. از بین اناجیل، انجیل مرقس طبق نقلی تقریباً در سال ۶۵ تا ۷۰ م به رشته تحریر درآمده است (ناس، ۱۳۸۲، ص ۵۷۶). نتیجه این دو مطلب این می شود که از این فراز که می گوید بروید و ملت‌ها را شاگرد سازید، منظور این است که طبق سنت، آنان را شاگرد سازید؛ چراکه در آن زمان هیچ کتابی وجود نداشته است.

۹. سنت در سنت

لازم به ذکر است که هرچه تعلیم رسمی کلیسا بیان کند، سنت محسوب می شود (مولند، ۱۳۸۱، ص ۹۰)؛ لذا تمام احکامی که از کلیسا صادر شود، هم‌ردیف کتاب مقدس محسوب شده و دارای یک اعتبار خواهد بود (رسول زاده و باغبانی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۷). ناگفته نماند که تنها مرجع رسمی برای تفسیر کتاب مقدس و سنت، فقط کلیساست؛ و استدلال آنان در این زمینه به این صورت است که

اولاً، در هر دو آئین، سنت از جایگاه بالایی برخوردار است و تقریباً هر کدام نقش تفسیری را نسبت به کتاب مقدس ایفا می‌کند. ثانیاً، در هر دو آئین، رابطه سنت با کتاب، رابطه طولی است و نه عرضی. اگرچه نظرات گوناگون دیگری نیز مطرح شده و قائل به این است که رابطه سنت با کتاب، عرضی است و نه طولی؛ لکن آنچه در نهایت حاصل شد، رابطه طولی بین کتاب و سنت است.

۱۰-۲. تفاوت‌ها

۱. در آئین کاتولیک، سنت بر کتاب مقدم است؛ و در امامیه کتاب و سنت هم‌زمانی دارند و در پرتو هم تفسیر می‌شوند؛ چراکه خداوند رسول خدا ﷺ را مبین قرار داده است (نحل: ۴۴).
۲. در آئین کاتولیک، رابطه سنت و کتاب ادواری بوده؛ بدین معنا که در طول زمان یک نظر ثابت نبوده است، همان‌طور که بیان شد؛ لکن در امامیه ثابت بوده است.
۳. در امامیه، سنت، قول و فعل و تقریر معصوم ﷺ است؛ لکن در آئین کاتولیک هر آنچه که از کلیسا صادر شود، سنت محسوب شده و واجب‌الاتباع است.

نتیجه‌گیری

با عنایت به مطالب ذکرشده، مشخص شد که از منظر امامیه و آئین کاتولیک رابطه قرآن و عهدین با سنت، به‌صورت طولی است؛ نه اینکه در عرض یکدیگر باشند؛ اگرچه قائلانی هستند که نظر دیگری دارند. لکن با بررسی‌های صورت‌گرفته و با توجه به مستندات هر کدام از دو آئین، نظر سوم در هر دو، مورد پذیرش است و علت قبول آنان نیز دلایل مطرح‌شده در این زمینه است، که بیان شد.

کتاب مقدس سخن خداست و به الهام روح‌القدس نوشته شده است و سنت مقدس، کلمه خدا را که توسط مسیح خداوند و روح‌القدس به رسولان سپرده شده، کاملاً منتقل می‌کند. سنت، کلمه را به جانشینان رسولان منتقل می‌کند، تا آنان درحالی‌که منور به روح حق‌اند، با موعظه‌شان آن را از روی امانت حفظ کنند و تبیین کنند و همه‌جا منتشر سازند. در نتیجه، نقل و تفسیر وحی که به کلیسا سپرده شده، در تمام حقایق و حیان، یقینش را تنها از کتاب مقدس نمی‌گیرد. کتاب مقدس و سنت هر دو باید پذیرفته شوند و با احساس علاقه و احترام یکسان، محترم شمرده شوند (مفتاح و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۴۹-۵۰).

با توجه به این مطلب، هرچه کلیسا بیان کند، سنت محسوب می‌شود و لذا تمام احکامی که از شوراها در ادوار گوناگون صادر شده، سنت است و برای اختصار از ذکر آنان خودداری می‌شود. بنابر این سنت مساوی با احکام کلیساست.

نتیجه کلی بحث

با عنایت به مطالب ذکرشده، روشن می‌شود که نظرات در مورد رابطه بین سنت و عهدین در ادوار مختلف گوناگون بوده و بسته به شرایط، نظرات متفاوتی بیان شده است. در مسیحیت اولیه که عهد جدیدی وجود نداشت، سنت، محوریت داشت؛ بعد از اینکه اناجیل به رشته تحریر درآمد، عهدین محور و سنت‌مدار شدند و بعد از شورای ترنت دوگانه‌محور شدند؛ به این صورت که سنت مستقل از کتاب مقدس، دارای اعتبار شد و به عبارتی، سنت در عرض کتاب مقدس قرار گرفت و بعد از آن تقریباً در قرن چهاردهم و پانزدهم، سنت در طول کتاب مقدس قرار گرفت. اما در شورای دوم واتیکان (۱۹۶۲-۱۹۶۵) که آخرین شورای جهانی کلیسا بود (رسول‌زاده و باغبانی، ۱۳۸۹، ص ۳۷۴)، رویکرد دوگانه‌محور کنار گذاشته شد و به رویکرد عهدین‌محور و سنت‌مدار بازگشتند (مک‌گراث، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۸۳).

۱۰. شباهت‌ها و تفاوت‌ها میان این دو آئین

با توجه به آنچه بیان شد، این دو آئین دارای شباهت‌ها و تفاوت‌های متعددی هستند که عنایت به آنها ما را با موضوع مورد بحث آشنا می‌کند.

۱۰-۱. شباهت‌ها

به‌طور کلی می‌توان شباهت این دو مذهب را به این صورت بیان کرد.

منابع.....

- نهیج البلاغه، ۱۳۸۰، ترجمه محمد دشتی، قم، تهذیب.
- کتاب مقدس، ۱۹۹۶م، ترجمه قدیم، انگلستان، ایلام.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ق، دعائم الإسلام، قم، مؤسسه آل البيت.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- اسپرول، آر. سی، بی تا، حقایق اساسی ایمان مسیحی، ترجمه ابراهیم احمدی نیا، چ سوم، تهران، نور جهان.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۳۷۴، البرهان فی تفسیر القرآن، قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثة، قم، مؤسسه بعثت.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۱۰ق، صحیح البخاری، چ دوم، مصر، وزارة الاوقاف مصر.
- بهبهانی، وحید، ۱۴۲۶ق، حائسیه الوافی، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.
- جمشیدی، اسدالله، ۱۳۸۶، تاریخ حدیث، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
- حلی، نجم الدین ابی القاسم، ۱۳۶۴، المعتبر فی شرح المختصر، قم، سیدالشهدا.
- خصیبی، حسین بن حمدان، ۱۴۱۹ق، الهدایة الكبرى، بیروت، البلاغ.
- ذهبی، شمس الدین، ۱۴۲۸ق، تذکرة الخلفاء، چ دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- رسول زاده، عباس و جواد باغبانی، ۱۳۸۹، شناخت مسیحیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۳، شناخت کلیسای کاتولیک، قم و تهران، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و سمت.
- رُشدی، آرمان، بی تا، اعتقادنامه نقیه، بی جا، بی تا.
- سوزن، میشل، ۱۹۸۷م، تاریخ اناجیل، بی جا، بی تا.
- شکوری، ابوالفضل، ۱۳۵۹، تحقیقی در منابع ایدئولوژیک اسلام - سنت، قم، حر.
- شیخ زاده، صدیقه، ۱۳۹۴، بررسی تطبیقی دیدگاه های مفسران شیعه و اهل سنت درباره رابطه قرآن و سنت، ایلام، دانشگاه ایلام.
- صدر، سیدموسی، ۱۳۷۵، همگرایی قرآن و سنت، پژوهش های قرآنی، ش ۵ و ۶ ص ۱۷۲-۱۸۵.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۹۵ق، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح علی اکبر غفاری، چ دوم، تهران، الاسلامیه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق فضل الله یزدی طباطبائی، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.
- طوسی، محمدحسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر الصافی، تصحیح حسین اعلمی، چ دوم، تهران، الصدر.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۶ق، کافی، قم، دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، تحقیق جمعی از نویسندگان، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- _____، ۱۴۰۴ق، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تحقیق سیدهاشم رسول محلاتی، چ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، تحقیق حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهازدی، چ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیپور.
- مفتاح، احمدرضا و دیگران، ۱۳۸۹، تعالیم کلیسای کاتولیک، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، الامالی، تصحیح حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
- مک گراث، آلیستر، ۱۳۹۳، درسنامه الهیات مسیحی، ترجمه بهروز حدادی، چ دوم، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- مولند، اینار، ۱۳۸۱، جهان مسیحیت، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، چ سوم، تهران، امیر کبیر.
- میرداماد، محمدباقر بن محمد، ۱۴۰۳ق، التعلیقه علی اصول الکافی، تحقیق مهدی رجائی، قم، خیام.
- ناس، جان بایر، ۱۳۸۲، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، چ سیزدهم، تهران، علمی و فرهنگی.
- نصیری، علی، ۱۳۷۹، «رابطه متقابل کتاب و سنت»، علوم حدیث، ش ۱۵، ص ۳۴-۷۷.
- _____، ۱۳۹۷، رابطه قرآن و سنت، قم، دارالحدیث.
- _____، ۱۳۸۹، «مفهوم و جایگاه سنت از نگاه اسلام و مسیحیت»، حدیث حوزه، ش ۱، ص ۴-۳۱.
- وان وورست، رابرت ای، ۱۳۹۳، مسیحیت از لایه لای متون، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول زاده، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.